

# بِسْمِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ:

«الْعَالِمُ بِزَمَانِهِ لَا تَهْجُمُ عَلَيْهِ اللَّوَائِسُ»

الكافي، جلد ۱، صفحه ۲۶

امام خامنه‌ای مدظله العالی:

درس خواندن و تهذیب اخلاق و هوشیاری سیاسی همراه با تلاش‌های انقلابی، وظایفی هستند که دختران و پسران این نسل باید آنها را هرگز فراموش نکنند. ۱۳۹۸/۹/۲۴

عنوان:

## کشور بریتانیا

شناسنامه مطلب	
b-270-1	کد مطلب
بصیرتی/مباحث آموزشی/گام اول: اطلاعات سیاسی / مقدماتی	رده
بریتانیا، انگلیس، ملکه	برچسب
	توضیحات

پایگاه تزکیه‌ای، علمی، بصیرتی و مهارتی نُمُو

nomov.ir

## کشور بریتانیا

دو پادشاهی انگلستان و اسکاتلند، همراه با ولز، بریتانیای کبیر را تشکیل می دهند.

پادشاهی متحده (United kingdom- UK) نیز انگلستان، بریتانیای کبیر و منطقه ی ایرلند شمالی را پوشش می دهد.

کشور انگلیس

انگلستان (England) نام نیمه جنوبی جزیره بریتانیای کبیر و یکی از چهار بخش کشور پادشاهی متحد بریتانیای کبیر و ایرلند شمالی است.

**مساحت:** ۱۳۰'۳۹۵ کیلومتر مربع

**جمعیت:** ۵۴'۳۱۶'۶۰۰ نفر (تا واپسین سرشماری در سال ۲۰۱۴ میلادی)

**پایتخت:** لندن

**شهرهای مهم:** بیرمنگام، گلاسگو، لیدز، برادفورد، نیوکاسل،

لیورپول، شفیلد، ناتینگم

ساختار سیاسی انگلیس

نظام سیاسی در انگلستان به عنوان بخشی از پادشاهی

متحده بریتانیا، سلطنت مشروطه و نظام پارلمانی

است. نهاد سلطنت، بر مبنای حضور یک پادشاه یا

ملکه به عنوان رئیس حکومت است، اما این منصب در

چارچوب یک پادشاهی مشروطه قرار گرفته است. به

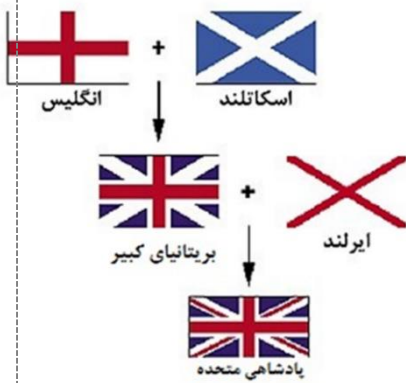
این معنا که قدرت تدوین و تصویب قوانین در اختیار

پارلمانی منتخب است. امروزه انگلستان به طور مستقیم

توسط پارلمان بریتانیا اداره می شود، اگر چه دیگر کشورهای

اتحادیه بریتانیا دولت خود را دارند. در این نظام پادشاه یا ملکه، رئیس حکومت شناخته می شود و نخست وزیر که

ارشدترین عضو پارلمان به حساب می آید، رئیس دولت است.



## قانون اساسی

قانون اساسی این کشور به صورت یک قانون مدون نیست، به این معنا که خیلی منعطف بوده و به راحتی قابل تغییر است و حالت تثبیت شده قوانین اساسی دیگر کشورها را ندارد. پارلمان، قدرت فائقه است، به این معنا که قوانین اساسی و قواعد آن در کنترل پارلمان است و می‌تواند قوانین اساسی را تغییر دهد. سطلنت، مشروطه است. ملکه، رئیس حکومت بوده اما براساس قوانین اساسی محدود است و انتظار نمی‌رود که از اختیارات در حیطه صلاحیت خود استفاده کند. حاکمیت و تمامی قدرت سیاسی در حیطه اختیارات پارلمان است؛ در نتیجه دولت قدرت خود را از پارلمان گرفته و به آن پاسخگو است. قوای حاکمه در پادشاهی متحد، برخلاف کشورهای مثل ایالات متحده، کاملاً از یکدیگر منفک نیستند؛ یعنی قوه مجریه و دادگستری از یکدیگر جدا نبوده و قوه مجریه تا حدودی بر نظام قضایی مسلط است. قوه مجریه بسیار قدرتمند است.

## مقام سلطنت

مقام سلطنت هم‌اکنون تنها دو نقش عمده دارد، رئیس حکومت و رهبر ملت.

## به عنوان رئیس حکومت:

در این چارچوب، ملکه پادشاهی متحد تعدادی نقش‌های تشریفاتی دارد. وی هر ساله پارلمان را به آغاز نشست‌های خود فرا می‌خواند. مراسم آغاز به کار پارلمان همراه با ایراد یک سخنرانی از سوی مقام سلطنت است. همچنین هر هفته با نخست‌وزیر نشست داشته و دیدگاه‌های خود را ارائه می‌کند اما نهایتاً باید تصمیمات نخست‌وزیر و کابینه را بپذیرد. رئیس حکومت (ملکه) همچنین مجبور به تأیید تمامی قوانین مصوب جدید پارلمان است. در حوزه بین‌المللی این ملکه است که نماینده کشور در عرصه جهانی است و تمامی سفرای خارجی را به حضور می‌پذیرد.

## به عنوان رهبر ملت:

ملکه نقطه ثقل هویت، اتحاد و افتخار ملی است؛ حس ثبات و تداوم را به ملت می‌دهد؛ موفقیت‌ها، دستاوردها و شاهکارهای حاصل شده از سوی افراد ملت را ارج می‌نهد؛ از خدمات عمومی و داوطلبانه حمایت می‌کند.

## قوای سه گانه

### قوه مقننه

این قوه متشکل از دو مجلس است، مجلس عوام و مجلس اعیان؛ در اسکاتلند، ولز و ایرلند شمالی نیز مجمع قانون‌گذاری محلی وجود دارد. کار اصلی پارلمان، بررسی و به چالش کشیدن (تحقیق و تفحص از) اقدامات دولت، همچنین بحث، بررسی و تصویب قوانین است. پارلمان از دو بخش تشکیل یافته است:

### مجلس اعیان :

این مجلس انتخاب نشده پارلمان، متشکل است از بیش از ۲۰ لرد (اعضای غیر موروثی)، بیش از ۳۷۰ عضو مادام‌العمر، ۲ اسقف اعظم و ۲۴ اسقف کلیسای انگلستان.

### مجلس عوام:

این مجلس متشکل است از ۶۵۱ عضو که با رأی مردم برای مدت زمان پنج سال انتخاب میشوند. ملکه یا پادشاه به جز زمان‌های افتتاحیه نشست‌های سالانه پارلمان، اجازه حضور در کاخ وست مینستر (محل پارلمان) را ندارد. تمامی مصوبات برای مشروعیت و تبدیل شدن به قانون، نیازمند امضای (توشیح ملوکانه) وی هستند. اما باید توجه کرد که ملکه نقش فعالی را در سیاست‌ورزی پارلمان نداشته و شخص پادشاه/ملکه از سال ۱۷۰۸ تاکنون از توشیح مصوبات پارلمان خودداری نکرده است. در «سیستم حکومتی انگلیس»، مردم صریحاً به «عوام و ارباب» تقسیم شده‌اند و «مجلس اعیان» فرای «مجلس عوام»، می‌تواند کلیه مصوبات آن را رد کند.

### احزاب سیاسی

احزاب عمده سیاسی عبارتند از :

حزب محافظه کار حزب کارگر ( حزب حاکم کنونی با ریاست )

حزب لیبرال دموکرات

احزاب محلی از جمله حزب ملی اسکاتلند

پلاید کیمرو (حزب ملی گرای ویلز)

حزب اتحادگرایان آلستر

حزب اتحادگرای دموکراتیک

حزب سوسیال دموکرات و کارگر (ایرلند شمالی)

### قوه مجریه

قدرت اجرایی توسط دولت و به نیابت و با رضایت مقام پادشاهی اعمال می‌شود، این موضوع درباره دولت‌های محلی اسکاتلند، ولز و ایرلند شمالی نیز مصداق دارد. حزبی که بیشترین کرسی‌های مجلس عوام را در یک انتخابات عمومی به دست آورد، دولت جدید را تشکیل می‌دهد. به این معنا که دولت باید نصف به علاوه یک کرسی‌های مجلس عوام را کسب کند تا بتواند اکثریت را داشته باشد. در این صورت، رهبر حزب حائز اکثریت نخست‌وزیر می‌شود. نخست‌وزیر رئیس دولت مرکزی است و همراه با کابینه انتخابی‌اش مسئول اقدامات و خط‌مشی‌های دولت است.

## مسئولیت‌های نخست‌وزیر

رئیس دولت، سخنگوی اصلی دولت، فرمانده کل قوای مسلح به نمایندگی از سوی پادشاه/ملکه، تعیین افراد در مناصب مختلف، مسئول اصلی خط‌مشی‌گذاری خارجی، رهبری حزب خود در پارلمان.

## قوه قضاییه

نظام قضایی آن نیز مستقل از قوه مجریه و قوه مقننه است. دیوان عالی نیز بالاترین مرجع رسیدگی به دعاوی قضایی در این کشور است. تا پیش از آغاز به کار دیوان عالی بریتانیا، کمیته قضایی مجلس اعیان بریتانیا جایگاه عالی‌ترین نهاد دادخواهی و مرجع نهایی استیناف در بریتانیا را بر عهده داشت. یک ایراد که به کمیته قضایی مجلس اعیان بریتانیا گرفته می‌شد این بود که ساختار آن به سده‌ها پیش بازمی‌گشته و با نیازهای امروزی سازگار نیست. دوم اینکه، ارجاع پرونده قضایی به مجلس اعیان بریتانیا که بخشی از قوه مقننه بود و سپردن ریاست آن به رئیس مجلس اعیان بریتانیا که از سوی دولت یا قوه مجریه منصوب می‌شد به معنی مخلوط شدن وظایف سه قوه بود. با اینکه قضات عضو مجلس اعیان بریتانیا از استقلال کامل برخوردار بودند، اما ساختار این کمیته باعث می‌شد تا موقعیت آنها و روند رسیدگی به پرونده‌ها پیچیده و مبهم باشد. به گفته منتقدان، تقسیم مسئولیت نظارت و ارائه خدمات به قوه قضاییه بین نهادهای مختلف با اصل تمرکز مسئولیت و تضمین کارایی در تشکیلات عمومی انطباق نداشت.

## کارکرد دیوان عالی قضایی

اهمیت وجود دیوان عالی بریتانیا به خاطر وجود یک نهاد کاملاً مشخص و مستقل از دیگر بخش‌های حکومت، برای اطمینان بخشی به جامعه در مورد استقلال عمل روند تجدید نظر قضایی و عدم تاثیرپذیری آن از سایر قوا است.

دیوان عالی در رسیدگی به پرونده‌ها تنها به ایرادات احتمالی از لحاظ شکلی یعنی رعایت یا عدم رعایت کامل قوانین و آیین دادرسی توسط محاکم پائین‌تر می‌پردازد و به محتوا یا ماهیت پرونده، مانند شواهد و مدارک، ورود نمی‌کند. از دیگر وظایف این دیوان اظهار نظر و رای در مورد موضوعات مرتبط با موازین قانون اساسی بریتانیا است اما از آنجا که نظام سیاسی بریتانیا بر مبنای حاکمیت مطلق مجلس عوام بریتانیا به عنوان نماینده منتخب مردم است اختیارات

دیوان عالی در مورد مصوبات پارلمان به مراتب محدودتر از اختیارات دیوان عالی در برخی دیگر از کشورهاست. دیوان عالی بریتانیا تنها در مورد انطباق یا عدم انطباق با موازین حقوق بشر می‌تواند به مجلس عوام ورود کند. مصوبه‌ها با دیوان عالی حق اظهار نظر و در صورت لزوم، رای به لغو قوانین ثانویه شامل بخشنامه‌ها یا مقرراتی را دارد که بر پایه قوانین مصوب تدوین شده و به نظر شاکیان، از محدوده تعیین شده توسط این قوانین تخطی کرده‌است.

## دولت های محلی

دولت محلی در مناطق اسکاتلند، ولز و ایرلند شمالی مسئول بسیاری از موضوعات داخلی بوده و پارلمان‌های محلی قدرت قانون‌گذاری در این عرصه‌ها را دارند: بهداشت، آموزش، فرهنگ، محیط زیست و حمل و نقل

## اقتصاد انگلیس

بیش از یک پنجم نیروی کار بریتانیا در بخش صنایع تولیدی اشتغال دارد. صنایع مهم شامل: آهن و فولاد، وسایل نقلیه موتوری، الکترونیک و الکترونیک، نساجی و پوشاک، هواپیماسازی و کالاهای مصرفی است. صنایع بریتانیا شدیداً به واردات مواد خام وابسته است. این کشور از لحاظ تولید نفت (از دریای شمال) خودکفاست و ذخایر مهم گاز طبیعی و زغال سنگ دارد، هر چند صنعت زغال سنگ با غیر اقتصادی شدن استخراج از معادن قدیمی رو به زوال است. از آنجایی که بریتانیا از نظر تجاری کشور مهمی است لندن یکی از بزرگترین مراکز بانکداری، مالی و بیمه در جهان است و درآمدهای نامرئی این خدمات سهم مهمی در صادرات دارد، توریسم منبع مهم دیگری از درآمد ارز خارجی است. کشاورزی و دامداری (و جنگلبانی) ۲٪ از نیروی کار را شامل می‌شود. محصولات اصلی در کشاورزی جو، گندم، سیب زمینی و چغندر قند و در دامداری گوسفند و گاو است. مسائلی که این کشور در زمینه اقتصاد با آن مواجه بوده شامل بحرانهای مکرر، عدم اعتماد به ارزش پوند، سیاستهای تحدید اعتبار و میزان بالایی بیکاری (منطقه‌ای) بوده است.

## سیاست انگلیس در خاورمیانه

سیاست خارجی انگلیس دارای سنت دیرپایی در قبال خاورمیانه بوده است به طوری که در مورد سیاست خاورمیانه‌ای انگلستان باید گفت از دوره استعمار تاکنون دو دسته منافع کلان بر سیاست‌های خاورمیانه‌ای این کشور تاثیر گذاشته است: ۱- کنترل منابع انرژی نفت و گاز ۲- تمایل به ثبات منطقه‌ای.

با توجه به همجواری غرب آسیا با اروپا، از منظر دولت انگلیس، بی‌ثباتی و ناامنی در خاورمیانه می‌تواند تأثیرات مستقیمی بر امنیت ملی و امنیت شهروندان آن کشور داشته باشد. در واقع دولت انگلستان، توجه به موضوعاتی همچون تروریسم، ناامنی و بی‌ثباتی، جرائم فراملی و تسلیحات کشتار جمعی را جزو اولویت‌ها و اصول کلیدی سیاست خارجی خود تعریف کرده است. به زعم این کشور، در شرایط کنونی مسئله اصلی، تثبیت وضعیت سیاسی و امنیتی در منطقه خاورمیانه است. در حال حاضر، دولت انگلستان تلاش می‌کند تا از یک سو از رشد بنیادگرایی در این منطقه جلوگیری کند و از سوی دیگر، همپیمانان اقتدارگرایی خود را در منطقه خلیج فارس حفظ نماید. گروهی از تحلیلگران، تصمیم لندن برای به‌دست آوردن پایگاه نظامی دائمی در خلیج فارس و اعزام ناوهای جنگی بزرگ‌تر به این منطقه را نوعی تغییر در سیاست بریتانیا بر اثر وحشت از سیر رویدادها در خاورمیانه تلقی می‌کنند. سیاست خارجی بریتانیا در هیچ یک از دولت‌ها تغییر اساسی نداشته است. در گذشته در مورد هر یک از احزاب اصلی بریتانیا اینگونه بوده است که هر دو حزب حامی اسرائیل بوده‌اند، هر دو حزب متحد آمریکا در منطقه بوده‌اند و هر دو حزب از دولت‌های عربی محافظه‌کار منطقه حمایت کرده‌اند، ضمن اینکه سیاست دو حزب مذکور در قبال ایران تابعی از سیاست کلی‌تر ایالات متحده آمریکا بوده است.

## حضور استعماری انگلیس در هند

پای انگلیس با راه اندازی یک کمپانی تجاری به هندوستان باز شد. (آخرین تیر خود را برای رهایی از یک بحران بزرگ اقتصادی رها کردند) انگلیسی‌ها به مرور سعی در حذف دیگر رقبای خود از عرصه تجارت داشتند و توانستند در اواسط سال ۱۷۰۰ میلادی پرتغالی‌ها را تا حد زیادی از هند خارج کنند و اداره برخی امور مهم در اقتصاد این کشور را به دست بگیرند. ویل دورانت نویسنده و مورخ آمریکایی قحطی ایجاد شده به دلیل اقدامات کمپانی هند شرقی را اینگونه روایت می‌کند: «انگلیسی‌ها همه چیز را در هندوستان به فروش می‌رساندند آنها حتی حاکمان ایالت‌ها را با دریافت رشوه به قدرت می‌رساندند و هندوها را وادار می‌کردند گران بخرند و ارزان بفروشند و این سیاست امپریالیستی بود که سبب گردید ۳۰ میلیون هندی در کلکته به اوج بدبختی برسند.» انگلیسی‌ها آخرین تلاش هندی‌ها در سال ۱۸۵۷ برای بازپس‌گیری استقلال شان را در مدت کوتاهی و با استفاده از توانمندی نظامی سرکوب کردند و با کشتار مردمی که به رهبری بهادرشاه آخرین پادشاه کورکانی علیه انگلیسی‌ها قیام کرده بودند، به کار سلسله‌گورکانی در این کشور پایان دادند و هند عملاً با سقوط گورکانیان، توسط انگلیسی‌های کمپانی هند شرقی، به عنوان یک مستعمره ضمیمه حکومت انگلستان شد. پس از این واقعه انگلیس که دیگر خود را مالک هند می‌دانست، با انتقال منابع این کشور به اروپا و فروش آن، به یکی از ثروتمندترین کشورهای جهان تبدیل شد و حتی از سربازان اجیر شده هندی برای تسلط بر دیگر مستعمرات خود استفاده می‌کرد. به طور کلی می‌توان آثار متعدد استعمار در هند را اینگونه خلاصه

کرد. دوره استعمار سبب شد جایگاه هند در دنیا کاملاً عوض شود. به سبب استعمار، هند از یک قدرت مستقل و تاثیرگذار در دنیا تبدیل شد به یک کشور تاثیرپذیر و تحقیرشده. جامعه هند از مسیر طبیعی پیشرفت خود منحرف شد و در مسیر انحطاط همه جانبه قرار گرفت، و هنوز هم هند نتوانسته خود را از سقوط در آن سرازیری کاملاً نجات دهد.

## نقش فلسطین در استعمارگری انگلیس

استعمار انگلیس، اهمیت فراوان و ارزش سوق‌الجیشی فلسطین و نقش بزرگی را که می‌توانست به یاری موقعیت خویش در آینده استعماری آن ایفا کند، درک کرد. فلسطین جایگاهی اساسی برای حمایت از صحرای سینا و کانال سوئز بود که این کانال مهمترین مصالح استعمار انگلیس و راه هند و آفریقا را تشکیل می‌داد. فلسطین، پیوندگاه سه قاره و مرکز سوق‌الجیشی مهمی برای چیرگی بر کرانه‌های جنوبی دریای مدیترانه و دریای سرخ و پایگاه عمده‌ای برای تمام طرح‌های توسعه طلبانه‌ای بود که بعدها پس از فروپاشی امپراطوری عثمانی، در سوریه، اردن، عراق و جزیره‌العرب رخ داد و برای همین، انگلیسی‌ها برای دست‌اندازی به فلسطین از یکسو در چانه‌زنی با فرانسوی‌ها در پیمان موسوم به «سایکس پیکو» این کشور را در جریان تجزیه مستملکات عثمانی سهم خود ساختند و از سوی دیگر، امتیازات فراوانی به یهودیان که انگیزه زیادی برای هم‌پیمانی با انگلستان در مهار مقاومت‌های اسلامی و ضداستعماری مردم فلسطین داشتند، واگذار کردند.

## مقام معظم رهبری

: دولت انگلیس خبیث هم با ملت ایران دشمنی میکند، این هم یکی از دشمنان سنتی و قدیمی ملت ایران است؛ منتها دولت انگلیس نقش مکمل آمریکا را در این میان بازی میکند. خود دولت انگلیس استقلال‌لی ندارد که انسان او را یک دشمن مستقلی به حساب بیاورد؛ دنباله رو آمریکاست. ۱۳۹۲/۱/۱